

افزایش حملات طالبان و برخورد تساهل گرایانه ارگ

سرمقاله

اگر حکومت اراده کند، مردم آماده هر نوع فداکاری اند

حفیظ الله زکی

حملات تروریستی دیروز، متأسفانه تعداد زیادی کشته و زخمی برجا گذاشت. تاهنوز آمار تلفات به ۲۸ تن و شمار زخمی های حادثه به بیش از سه صد نفر رسیده است. با توجه به وضعیت وخیم تعدادی از زخمی ها احتمال می رود آمار کشته شده ها با زهم افزایش یابد.

هفته قبل طالبان از آغاز حملات بهاری خود تحت نام «عمری» خبر داد. البته این تهدیدها چیزی تازه ای برای مردم افغانستان به شمار نمی رود و مردم با نزدیک شدن فصل گرما می دانند که آتش جنگ باردگر شعله ور شده و کشور باردگر در ناامنی فرو خواهد رفت. اما تهدید طالبان این بار بسیار زود صورت عملی به خود گرفت و طالبان با راه اندازی عملیات نظامی در ولایت های بغلان، جوزجان و قندوز اراده جدی خود را برای جنگ های رویارویی با حکومت افغانستان نشان داد. اگرچه این حملات دستاورد خاصی برای طالبان نداشت، ولی به هرحال از آمادگی و جدیت گروه طالبان برای جنگ پرده بر می دارد.

حمله انتحاری دیروز که در یکی از حساس ترین نقطه شهر صورت گرفت، پیش از همه چیز این نکته را برجسته می سازد که طالبان از مدت ها قبل در پی حملات فراگیر در افغانستان بوده و برای این گونه حملات، نیروها و امکانات خود را پیشاپیش در منطقه جابجا کرده است. چه این که حمله دیروز اگر جزو پلان حملات بهاری طالبان بوده باشد، این پرسش را به وجود می آورد که چطور یک موثر مملو از مواد منفجره در ظرف چند روز تا کابل آورده می شود و به سرعت عملیات در یکی از مهمترین نقاط پایتخت به اجرا در می آید؟

حال گذشته از این که این همه مواد انفجاری و عوامل انتحاری چطور با این سرعت از آن طرف مرزها وارد کشور شده و با عبور از دهها سد امنیتی تا پایتخت انتقال داده می شود؛ جایابی و انتقال این همه مواد در داخل شهر کابل نیز سؤال برانگیز می باشد. مگر این که بگوییم این مواد از قبل در همان نزدیکی های محل انفجار مخفی نگه داشته شده است که در این صورت با زهم ضعف نهادهای امنیتی بر ملا می شود. به هر حال رویدادهای یک هفته اخیر استراتژی دراز مدت طالبان و تاکتیک های دقیق و کارساز آنها را برای جنگ در افغانستان نشان می دهد. در زمانی که حکومت به شورای عالی صلح و مذاکرات بی نتیجه دلخوش می کند، طالبان به صورت ماهرانه از فضای موجود استفاده کرده برای ماههای آینده خود برنامه ریزی می کنند.

در زمان حکومت قبلی، تمام مردم افغانستان از سیاست های صلح خواهانه حکومت ناراضی بودند. از نظر مردم تلاش های صلح زمانی کارساز می باشد که با دستاوردهای مهم و بزرگ در صحنه جنگ همراه باشد. تا زمانی که ما در میدان جنگ دستاورد قابل ملاحظه نداشته باشیم، روند صلح به نتیجه نخواهد رسید. اما حکومت تمام فرصت ها و سرمایه ها را در این راستا از دست داد، بدون این که کمترین تمهیدی به دست آورده باشد. یکسال حکومت وحدت ملی نیز به همین بازی های بی نتیجه سپری شد. تلاشی که با امیدواری شروع می شود و بانامیدی خاتمه می یابد. وقتی دشمنان برطبل جنگ می کوبند، برای حکومت یک راه بیشتر نمی ماند و آن جنگ و مقابله دلبرانه در برابر هراس افگنان و دفاع از کشور و مردم افغانستان است. مردم از دشمنان نمی هراسند، مردم برای دفاع از وطن و دستاوردهایی که با پهای خون یک میلیون شهید به دست آمده، حاضرند از تمام هستی خود بگذرند، به شرطی که حکومت با طرح استراتژی کارآمد، واقع بینانه و همه جانبه، تغییرات بنیادی در سیاست ها و رفتارهای گذشته خود ایجاد نماید و عوامل نفوذی دشمن و مهره های درشت فساد را از بدنه حکومت پاکسازی نماید. مشکل این است که مردم و حتی نیروهای امنیتی به مقامات حکومتی اعتماد ندارند و این بی اعتمادی به انگیزه مردم در برابر هراس افگنان لطمه می زند. حکومت تنها با اراده قاطع و موضع روشن و شفاف می تواند اعتماد از دست رفته را دوباره بازگرداند.

دیروز، در کابل پایتخت انفجاری مهیب رخ داد که جان تعدادی از شهروندان کشور را گرفت. گروه طالبان مسئولیت این حمله را به عهده گرفتند. ارگ ریاست جمهوری نیز با انتشار اعلامیه ای این حمله را محکوم نمودند. ارگ ریاست جمهوری حمله دیروز را نشانه ای شکست دشمن از جنگ رو در رو با نیروهای امنیتی افغانستان خوانده است. حمله دیروز اما، اولین رویداد امنیتی در پایتخت کشور نیست. چندی پیش، این گروه با حملات راکتی پارلمان کشور را نیز مورد هدف قرار دادند. اکنون این سؤال مطرح است که مسئول کیست؟ کیها باید به شهروندان افغانستان پاسخ دهد؟ به این سؤال ها با بررسی چند مسئله در زیر پاسخ می دهم.

وزارت امور داخله چندی پیش اعلان نموده است که فرماندهان پلیس در صورت غفلت و وظیفه ای مورد تنبیه قرار می گیرند. شورای امنیت ملی نیز از این فرمان وزارت امور داخله حمایت نموده بود. این مسئله مورد خوشبینی مردم نیز شده بود. باور بسیاری ها بر این بود که وضعیت امنیتی بهبود یابد و فرماندهان پلیس به خاطر تنبیه شدن مسئولیت خود را در دست انجام می دهد. اما چند روز بعد از اظهارات وزارت امور داخله گروه طالبان بر ساختن جدید پارلمان کشور حمله راکتی نمودند. از حمله راکتی طالبان بر ساختمان پارلمان غفلت وظیفوی فرماندهان پلیس دانسته شد. اما، کمتر شاهد تنبیه آن مقامات مسئول بوده ایم. تنها در روزهای نخست کاری اشرف غنی، رئیس جمهور شاهد کارهای نمایشی بودیم که مقامات امنیتی را به خاطر سهل انگاری و با غفلت وظیفه ای از کار برکنار نمودند اما، با گذشت زمان کارهای نمایشی او نیز خاتمه یافت. اکنون چشم ها به وزارت امور داخله دوخته شده است که با فرماندهان مسئول در محل

رویداد چه رویکردی را در پیش می گیرد. واکنش ارگ ریاست جمهوری در قبال رویداد دیروز نیز حیرت انگیز بود. ارگ ریاست جمهوری همانند گذشته این حمله را محکوم کرده بود و گفته بود که حمله انتحاری گروه طالبان نشان شکست آن ها در جنگ رو در روست. سؤال این است که آیا نیروهای امنیتی افغانستان با یک ارتش مجهز و قدرتمند طرف است که می گوید در جنگ رو در رو شکست خورده است؟ این نشان ضعف حکومت نیست که یک گروه شورشی در چند قدمی ارگ ریاست جمهوری و وزارت دفاع شان حمله از سازماندهی می کند و جان بسیاری از شهروندان کشور را می گیرد؟ حمله دیروز گروه طالبان بدون شک، نشانه ای شکست و با ضعف آن ها نیست. بلکه نشانه ای ضعف حکومت افغانستان و به خصوص وزارت امور داخله در گرفتن امنیت پایتخت کشور است.

گروه طالبان در حالی دست به حملات فجیع و کثرت یافته می زند که ارگ ریاست جمهوری اصرار بر گفتگو و مصالحه با این گروه را دارد. از آغاز حکومت وحدت ملی



رحیم حمیدی

تا کنون تنها سیاست مصالحه و گفتگو با گروه طالبان مطرح بود. سقوط شهر کندهار و جنگ هلمند و بغلان منجر به فشار شهروندان بر حکومت شد. در پی آن، دگرگونی اندک و ظاهری در رویکرد حکومت در قبال گروه طالبان اتفاق افتاد. قبل از این ارگ حکومت افغانستان و نیروهای امنیتی حالت دفاعی داشت اکنون حالت تهاجمی به خود گرفته است. این یک دگرگونی در رویکرد حکومت در قبال گروه طالبان است. با وجود آنکه حمله بهاری حکومت افغانستان به نام شفق آغاز شده است اما، تا کنون مناطق زیادی از کشور در کنترل گروه طالبان می باشد. هلمند همانند گذشته در آتش جنگ می سوزد. بغلان دیگر تبدیل به پناهگاه گروه طالبان شده است. ولایت های جنوب مثل همیشه پرورشگاه اعضای جدید برای گروه طالبان است. حکومت در حالی اصرار بر گفتگوی صلح دارد که هیچ تمایل در طرف مقابل برای گفتگو و مصالحه دیده نمی شود. گروه طالبان پیش شرطهای را مطرح کرده است که منجر به بن بست شده است.

بغلان نشان می دهد که آن ها برنامه های استراتژیک دارد. گروه طالبان درآمد زیادی از ولایت هلمند به دست می آورد. این ولایت مرکز خرید و فروش مواد مخدر است. آن ها نزدیک به ۴۰ درصد مخارج خود را از عایدات ناشی از مواد مخدر به دست می آورند. به همین خاطر، تصاحب و کنترل هلمند و یا بخش های از آن حائز اهمیت می باشد. بغلان دروازه ورودی به شمال کشور است. گروه طالبان برای سال های متعادی نتوانسته است در شمال کشور نفوذ نماید. تصاحب بغلان و یا بخش از مناطق آن می تواند امکان نفوذ در ولایات شمال را امکان پذیر سازد. کندهار نیز اهمیت استراتژیک برای گروه طالبان دارد. زیرا، این ولایت هم به کابل نزدیک است و هم فرصت نفوذ گروه طالبان را به شمال کشور فراهم می کند. به همین خاطر، این گروه به صورت شدید در کندهار می جنگد. همه این موارد نشان می دهد که گروه طالبان بیش از آن که برنامه پلانی برای گفتگو و مصالحه داشته باشد بیشتر برنامه و پلان برای جنگ دارد. آنچه در آذربایجان است مقابل گروه طالبان یعنی حکومت افغانستان است که از موضع ضعف در دنبال آوردن گروه طالبان به میز مذاکره است. نفس کارهای حکومت افغانستان در مواجهه و برخورد با گروه طالبان نشانگر ضعف آن است.

در پایان این نوشتار یکبار دیگر باید متذکر شد ارگ ریاست جمهوری و وزارت امور داخله مسئول حمله دیروز است. ارگ ریاست جمهوری به خاطر برخورد تساهل گرایانه با گروه طالبان مسئول است و وزارت امور داخله به خاطر ضعف در تأمین امنیت پایتخت و شهروندان کشور مسئول است. این بار اول نوشتار «نیاز دارد» هیچ امانه بار، ارگ ریاست جمهوری تنها حمله گروه طالبان را محکوم نموده است. هیچ گاه حملات گروه طالبان منجر به دگرگونی در برخورد و سیاست ارگ در قبال گروه طالبان نشده است. از این جهت، می توان مسئولیت اصلی به عهده ارگ نشینان و وزارت امور داخله است.

نورسلطان نظر بایف: بشر به یک برنامه جامع «جهان بدون جنگ» نیاز دارد

مهدی زرتشت/قسمت اول



موضوع باید در اولویت کاری رهبران جهان در قطار سایر مشکلات جهانی، قرار بگیرد. در قرن بیست و یکم برای بشریت لازم است تا گام های قاطع را بخاطر غیرنظامی سازی بردارد. این فرصت دوباره میسر نمی شود و در غیر این سياره ما به یک زواله دانی بدون انسان با مواد رادیواکتیف مبدل خواهد شد. سياره ما بی نظیر است و کدام سياره مشابه به آن نداریم.

بنا بشر به یک برنامه جامع «قرن بیست و یکم: جهان بدون جنگ» نیاز دارد.

این استراتژی جهانی باید فعالیت های هماهنگ و منسجم ملت ها را بخاطر نابودی ویروس جنگ ها و درگیری ها، تعریف نماید. در این سلسله باید سه اصل عمده توجه شود:

اول: در هیچ یک از جنگ های مدرن برنده وجود نخواهد داشت، همگی بازنده خواهند بود.

فرسایش این دستاوردها استیم. بنا برای میلیون ها انسان این سوالات نگران کننده است: وضعیت جهان به کدام سو خواهد رفت؟ آیا اختلافات میان قدرت های بزرگ به مقابله جدید و طولی مدت تبدیل نخواهد شد؟ کدام کشور قربانی بعدی جنگ نیابتی قدرت های جهان و منطقه خواهد شد؟ زمین کی ها را چپین های نانک هوا و انفجار بمب ها ویران خواهد کرد؟ در کدام شهرها اطفال زیر راکت باران کشته خواهند شد؟ سیل پناهجویان جدید بخاطر نجات جان شان از جنگ ها از کجا به کجا خواهند رفت؟

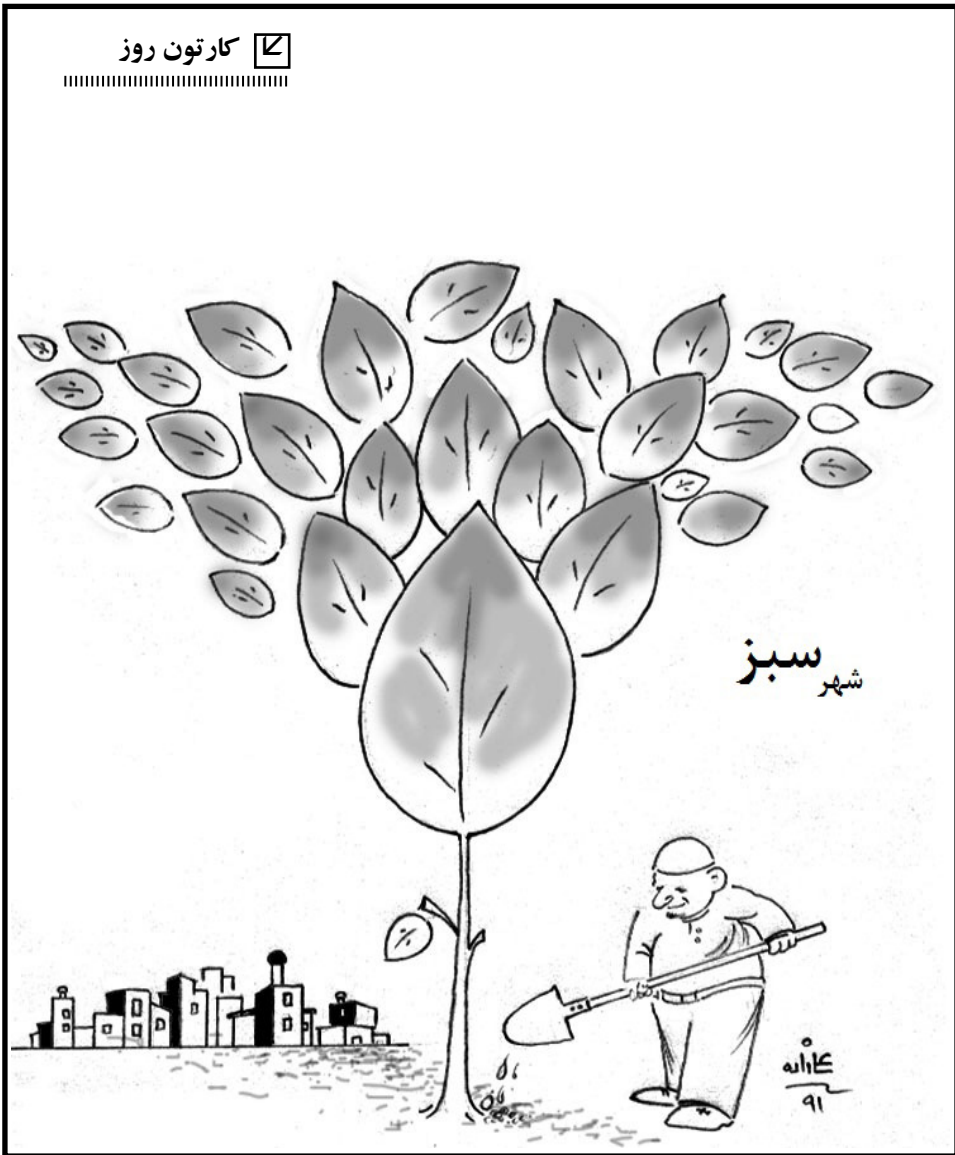
بیشتر از ۶۰ سال قبل، دانشمندان بزرگ چون اینشتین و برتران راسل مانیفیستی را ارائه کردند که در آن سوال وحشتناکی مطرح کردند: «آیا ما باید نسل انسان را نابود بسازیم، و یا بشر از جنگ دست میکشد؟»

بهترین مغزهای انسان های قرن بیستم، مردم را هشدار داده بودند که در جنگ های جهانی آینده سلاح اتمی استفاده خواهد شد و همه چیز را در زمین نابود خواهد ساخت. هشدار آنها در مورد اینکه تمام اختلافات کشورها نباید با جنگ حل شود، بیان قرن ۲۱ بسیار مهم است. ریشه کن ساختن جنگ یکی از دشوارترین وظایف بشر است. این

ها هیچ وقت غیر ممکن نیست. تروریسم چهره ظالمانه اختیار کرده است و از حملات واحد به تهاجم های بزرگ تروریستی علیه کشور های اروپایی، آسیایی و افریقای تغییر حاکمیت داده است. مهاجرت های میلیونی، تخریب شهرها، نابودی بارزش ترین آبدات تاریخی به واقعیت تلخ مبدل شده اند. زمین یکبار دیگر به سوی جنگ سرد روان است که عواقب مرگبار برای تمام بشریت خواهد داشت. در حال حاضر جهان با کمک قسوه قهر مثبت چهار دهه قبل محفوظ است. در نیمه دوم قرن بیستم در نتیجه مذاکرات موفقانه درعرصه امنیت هستمائی، تسلیحات اتمی روسیه و ایالات متحده آمریکا به قدر قابل ملاحظه کاهش یافتند. پنج قدرت اتمی اعلام نمودند که از آزمایشات اتمی دست می کشند که در نتیجه آ تهدید نابودی زمین به طور فوق العاده کاهش یافت. روند ایجاد سیستم براساس اصول اعتماد، تشکیلات بزرگ اوراسیا-آتلانتیک ایجاد گردید- سازمان امنیت و همکاری در اروپا. در نتیجه توافقات قدرت های بزرگ و عملیات چندجانبه سازمان ملل متحد در امور حمایت از صلح، یکتعداد زیادی جنگ ها و اختلافات حل گردیدند. اما حالا ما شاهد

بشر در قرن بیست و یکم امیدوار به عصر جدید همکاری جهانی بود. اما امروز این امید می تواند به یک سراب مبدل شود. جهان را یکبار دیگر خطر تهدید میکند و نمی توان آنرا نادیده گرفت. این تهدید: جنگ جهانی است. نظر به محاسبه دانشمندان، سياره ای که در آن ما زندگی میکنیم بیشتر از ۱۵ هزار جنگ را به خود دیده است. طی این جنگ ها میلیون ها نفر کشته شده اند، شهرها و کشورها از روی زمین پاک شده اند و فرهنگ ها و تمدن ها نابود گردیده اند.

با ورد به قرن ۲۱، مردم اختراعات علمی را انجام میدهند که همه را متحیر می کند، تکنالوژی نسل جدید را اختراع میکنند،



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله ییاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کارکنان: خالق علی زاده

دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۳۷